

مطالعه پدیدارشناختی تجارب مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی

در کاهش حساسیت اخلاقی فرزندان

(مطالعه موردی: والدین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه مدارس ناحیه ۴ شهر تبریز)

دکتر علی ایمانزاده*

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تجربیات مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش حساسیت اخلاقی فرزندان بوده است. پژوهش حاضر کیفی و از نوع پدیدارشناختی است. از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، والدین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه مدارس ناحیه ۴ شهر تبریز بودند که ۲۰ نفر از آنها به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها از الگوی «استرابت و کارپنتر» استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد از دیدگاه والدین، تجارب مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش حساسیت اخلاقی دانش‌آموزان دارای ۲ درون‌مایه اصلی علل گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی عضویت در این شبکه‌ها است. دانش‌آموزان برای ارتباط با همسالان، سرگرمی و تفریح و تبادلات علمی به شبکه‌های اجتماعی روی می‌آورند که منجر به بلوغ زودرس، تضعیف روابط عاطفی با والدین، نگاه جنسی به والدین و اطرافیان، بی‌توجهی و کم‌توجهی نسبت به مسائل دینی، نگاه نسبی‌گرایانه به اخلاق، تردیدهای اخلاقی، الگوپذیری منفی و پرخاشگری می‌شود. مواجهه نشدن درست با شبکه‌های اجتماعی می‌تواند در تضعیف باورهای دینی و به‌خصوص کاهش حساسیت‌های اخلاقی دانش‌آموزان نقش اساسی ایفا کند.

کلید واژه‌ها: تجربیات مادران، شبکه، شبکه‌های اجتماعی، حساسیت اخلاقی، پدیدارشناسی

* دکترای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشیار دانشگاه تبریز

Email: aliimanzadeh@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۹۷/۹/۲۱

تجدید نظر: ۹۷/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۸

DOI: 10.22082/CR.2019.99511.1745

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با قالب امروزی اولین بار در سال ۱۹۶۰ در دانشگاه ایلوی نویز در ایالت متحده آمریکا مطرح شد. بعد از آن اولین شبکه اجتماعی اینترنتی مدرن در سال ۱۹۹۷ به نام سیکس دیگریز یا شش درجه راه اندازی شد که به کاربران امکان ایجاد پروفایل و فهرست دوستان مرتبط را می‌داد. این سایت در سال ۲۰۰۰ میلادی بسته شد (پاپاچاریسی^۱، ۲۰۱۰). در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی به این صورت تعریف می‌شود که یک مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی که شامل مردم و سازمان‌ها که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنادار اجتماعی به هم متصل‌اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط هم چون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). شبکه‌های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وب‌سایت‌های اینترنتی هستند. در این وب‌سایت‌ها، کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی دور یکدیگر جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند (وودارز^۲، ۲۰۱۱: ۹). این شبکه‌ها با فراهم آوردن امکان ارتباط بین سرمایه‌های فردی و تشکیل سرمایه اجتماعی، می‌توانند به رشد و ارتقا سطح علم کمک کنند (کیترمن^۳ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۴۵).

رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی مرهون رشد و گسترش فلسفه‌های جدید به خصوص فلسفه پسا ساختارگرایی است. این فلسفه با تأکید بر مفاهیمی همچون ارتباط ریزوماتیک و تکیه بر اصولی همچون پیوند و ناهمگونی و گسست‌های نادالته‌گر و تأکید بر فرامتن‌ها به جای متن، زمینه‌های فکری رشد شبکه‌های اجتماعی مجازی را فراهم کرد (ایمان‌زاده و سجادی، ۱۳۸۶). شبکه‌های اجتماعی مجازی در کارکرد همچون ریزوم عمل می‌کنند و هیچ نقطه شروع و مقصدی نمی‌شود بر آنها

1. Papacharissi

2. Wodarz

3. Kietzmann

متصور شد (ایمان‌زاده، ۲۰۱۱). برت^۱ (۱۹۹۶) شبکه‌های اجتماعی را به ریزوم تشبیه می‌نماید و پیامدهای مورد انتظار از ریزوم را بر شبکه‌های اجتماعی مجازی حمل می‌کند و می‌گوید: از دیدگاه بارت شبکه‌های اجتماعی اقیانوس جهانی اطلاعات و خدمات است که به کاربران اجازه مشارکت در کسب و ارسال اطلاعات را می‌دهد.

در بین شبکه‌های اجتماعی جایگاه شبکه‌های اجتماعی مجازی برجسته است (دوریان^۲ و استوکمن^۳، ۲۰۱۳). این نوع از شبکه‌ها علاوه بر این که کارکرد قلمروزدایی در حوزه دانش و ارتباطات دارند (کادل^۴، ۲۰۱۳: ۱۰)، محل گردهمایی میلیون‌ها کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرزهای جغرافیایی، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند (لینهارت^۵، ۲۰۱۳) از ویژگی‌های اصلی این نوع فضاها قلمروزدایی در حوزه دانش و ارتباطات (کادل، ۲۰۱۳: ۱۰) و توانایی خلق اثر و عاملیت در تدوین محتوای است (باراباسی^۶ و فرانگوس^۷، ۲۰۱۴). رسانه‌های اجتماعی با ویژگی‌های خاص خود خیلی از ابعاد زندگی بشری به خصوص اخلاق را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (بوت^۸ و اسپیلیوس^۹، ۲۰۱۴).

از طرف دیگر اخلاق یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر هست. در فرایند اخلاقی چهار عنصر اساسی، حساسیت اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزش اخلاقی و عمل اخلاقی دخیل هستند. اولین عنصر در فرایند اخلاقی شدن بشر هست. بنابر گفته بیسو و همکاران (۱۹۹۹) «حساسیت اخلاقی یعنی آگاهی از اینکه اعمال ما بر دیگر افراد تأثیر می‌گذارد که شامل توجه به راه‌های احتمالی متنوع و این که هر کدام از این راه‌ها چگونه بر بخش‌های مربوط (از جمله خود فرد) تأثیر می‌گذارد. حساسیت اخلاقی به صورت تصویری دانستن پیامدهای علی حوادث در جهان واقعی، داشتن حس همدلی و مهارت‌های نقش‌پذیری را در برمی‌گیرد. حساسیت اخلاقی برای آگاهی از اینکه یک مسئله اخلاقی در آن موقعیت دخیل است، ضروری است» (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲).

-
- | | | |
|------------|--------------|-------------|
| 1. Barrett | 2. Doreian | 3. Stokman |
| 4. Cadell | 5. Leinhardt | 6. Barabási |
| 7. Frangos | 8. Bott | 9. Spillius |

حساسیت اخلاقی ویژگی است که شخص را به تشخیص کشمکش‌های اخلاقی و برداشت حسی و فکری از موقعیت‌های آسیب‌پذیر و آگاهی به نتایج اخلاقی در تصمیم‌گیری در مورد دیگران قادر می‌سازد. این حساسیت که ترکیبی از آگاهی فرد از ابعاد اخلاقی نظیر تحمل، آرامش و مسئولیت‌پذیری و اهمیت دادن به مسائل اخلاقی است، در نگرانی‌های فرد در مورد عمل برای دیگران منعکس می‌شود و به افراد کمک می‌کند عمل صحیح و غلط را تشخیص بدهند (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴).

پیشینه پژوهش

صادقیان (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر کامپیوتر و اینترنت بر کودکان و نوجوانان» دریافت، در چند سال اخیر کامپیوتر و اینترنت به تدریج جای تلویزیون را گرفته‌اند و احتمال می‌رود در آینده‌ای نزدیک نقش بیشتری را نسبت به تلویزیون در زندگی کودکان و نوجوانان داشته باشند. در صورتی که این فناوری صحیح استفاده شود اثرات مثبتی دارد. پژوهش ایمان‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان «تجربه تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر روابط زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه علوم پزشکی تبریز» نشان داد که احساس خیانت زناشویی، تضعیف روابط عاطفی، شکاکیت و بدبینی نسبت به همسر، کم شدن روابط رودررو، بی‌توجهی به نیاز جنسی زوجین، دخالت دیگران در زندگی خصوصی و مسئولیت‌نداشتن نسبت به زندگی از جمله پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی است. یافته‌های پژوهش کفاشی (۱۳۸۹) وجود یک رابطه آماری معکوس در بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حکایت دارد. متغیرهای مستقل شامل دسترسی دانشجویان به اینترنت، احساس رضایتشان از گمنام بودن در اینترنت، میزان اطلاع خانواده در مورد استفاده فرزندان از محیط‌های اینترنتی و متغیر وابسته ارزش‌های خانواده است. رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی خود به این یافته‌ها اشاره داشتند که شبکه‌های اجتماعی تأثیر نسبتاً ضعیفی بر انواع مختلف هویت دارند. دوران (۱۳۸۳) در مقاله خود اشاره می‌کند، فناوری‌های نوین ارتباطی و

اطلاعاتی با فراهم آوردن امکان پیدایش جامعه شبکه‌ای که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت بخشیده، علاوه بر میزان و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ... قواعد حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، نگرش آنان را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است. آثار رسانه‌های نوین ارتباطی، سلسله‌مراتب مرزهای گروهی را نزد افراد دگرگون می‌سازند و به این ترتیب، هویت‌های آنان را دستخوش تغییر می‌کنند.

در پژوهش‌های خارجی نیز شبکه‌های اجتماعی و حساسیت‌های اخلاقی دغدغه پژوهشگران بوده است.

پژوهش کیمبال^۱ و کیم^۲ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که عضویت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با توجه به تسهیل‌گری در انتقال مفاهیم اخلاقی، با چالش‌هایی نظیر اقتدارزدایی و ساخت‌شکنی، مسائل جسمی نظیر رشد پیش از موعد اندام‌های جنسی همراه است. از دیدگاه بودی^۳ و دومینلی^۴ (۲۰۱۷) شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان نمودی از رسانه‌های اجتماعی فضای اخلاقی جدیدی را ترسیم کرده‌اند که با نگاه سنتی به اخلاق تفاوت زیادی دارد. اخلاق حاکم بر فضای جدید اخلاق نمادی و کوچ‌گرایانه است که عمدتاً نسبت‌گرا و تکثرگرایانه عرضی است. پژوهش دیباتین^۵ (۲۰۱۱) نشان داد که در شبکه‌های اجتماعی اگرچه در ظاهراً آزادی فردی و استقلال فردی تقویت شده است ولی در واقع، حریم شخصی افراد و سوءاستفاده‌های جنسی به دلیل ورودهای کنترل‌ناپذیر، دچار حمله‌های اساسی است.

چارچوب نظری پژوهش

پدیدارشناسی

یکی از ابعاد اساسی فلسفه بعد معرفت‌شناختی است. این بعد از فلسفه به بررسی سه

1. Kimball 2. Kim 3. Boddy
4. Dominelli 5. Debatin

سؤال اساسی می‌پردازد: آیا دانستن امکان‌پذیر است؟ منابع معرفت کدام‌اند؟ و انواع معرفت کدام‌اند؟ در تبیین و پاسخ به این سؤال‌ها هرکدام از مکتب‌های فلسفی پاسخ‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. اگرچه پدیدارشناسی در بستر اگزیستانسیالیسم شکل گرفت ولی به حوزه‌های علمی دیگر به‌عنوان یک روش پژوهش و پژوهش وارد شد و به‌سرعت گسترش پیدا کرد (فلود^۱، ۲۰۱۰). واژه پدیدارشناسی برای اولین بار توسط فریدریش اوئتینگر^۲ با عنوان مطالعه نظام الهی حاکم بر روابط چیزهای محسوس در عالم ظاهر و محسوسات به‌کار برده شد (سربن^۳، ۲۰۱۴).

اگرچه بعدها این واژه توسط افرادی نظیر یوهان هنری لامبر و هگل استفاده شد ولی پدیدارشناسی به‌عنوان یک حیطة علمی سامانمند و نظام‌دار مدنظر این اندیشمندان نبوده است (کافر^۴ و چمرو^۵، ۲۰۱۵)، بنابراین در مجامع علمی مکتب پدیدارشناسی با نام ادموند هوسرل گره خورده است و افراد دیگری نظیر مارتین هایدگر، ژان پل سارتر و موریس مرلوپونتی در توسعه آن نقش اساسی ایفا کرده‌اند (زهاوی^۶، ۲۰۰۳). در دوره زمانی بعد از هوسرل، پدیدارشناسی با نوعی از تکثر مفهومی مواجه می‌شود. با این تقسیم‌بندی پدیدارشناسی دو تعریف توصیفی و معناشناسانه (تفسیری) پیدا می‌کند. از دیدگاه هوسرل پدیدارشناسی یک‌رشته معینی است که به‌دنبال توصیف چگونگی شکل‌گیری جهان و نحوه تجربه جهان است (هوسرل، ترجمه رشیدیان، ۱۳۸۶). پدیدارشناسی در بستر فلسفه اگزیستانسیالیسم هوسرلی شکل گرفت و پاسخی به اثبات‌گرایی و راه‌حلی برای ناتوانی اثبات‌گرایی بود و به‌عبارت دیگر تجربه‌باوری در اندیشه‌های اثبات‌گرایانه و ناتوانی آن در پاسخگویی به سئوالات بشری در پیدایش آن نقش اساسی ایفا کرد (اسپیگلبرگ^۷، ۲۰۱۲). پدیدارشناسی با آگاهی انسانی در ارتباط است و اینکه اشیا چطور در آگاهی انسان بازنمود و بازنمایی می‌شوند (کونللی^۸، ۲۰۱۰). بنابراین، پدیدارشناسی هرمونیک در حقیقت پدیدارشناسی تفسیری است که

- | | | |
|----------------|------------------------|------------|
| 1. Flood | 2. Friedrich Oettinger | 3. Cerbone |
| 4. Kaufer | 5. Chemero | 6. Zahavi |
| 7. Spiegelberg | 8. Connelly | |

محوریت تفسیر تجربه زیسته انسان است. تجربه زیسته همان پدیده‌ای است که به صورت نوشته و متن بیرون آمده است. در پدیدارشناسی هرمنوتیکی نوع خاصی از تفسیر دنبال می‌شود تا در نهایت معنای نهفته در پدیده شفاف گردد. هرمنوتیک معرفی شده از سوی ریکور (۱۹۸۱) می‌تواند تا حدود زیادی به فهم فرایند تفسیری که در پدیدارشناسی هرمنوتیکی دنبال می‌شود کمک کند (ایمان‌زاده و سلحشوری، ۱۳۸۸: ۲۸۰). پدیدارشناسی به دنبال این است که نشان دهد واقعیت‌های اجتماعی چگونه از سوی مردم از طریق تفسیر و معنادهی به واقعیت‌های اجتماعی ساخته می‌شوند (زلفعلی‌فام و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۴).

حساسیت اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به شکل جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک‌گذاری محتوا را در اینترنت فراهم آورده‌اند. این شبکه‌ها با اینکه عمر زیادی ندارند، اما توانسته‌اند در زندگی مردم تأثیرگذار باشند. به اشتراک‌گذاشتن علاقه‌مندی‌ها در شبکه‌های اجتماعی، از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان گفت بدون آن شبکه‌های اجتماعی معنا پیدا نخواهند کرد (سلیمانی‌پور، ۱۳۸۹: ۲۸). شبکه‌های اجتماعی مجازی به لحاظ عمومیت یافتن در میان کاربران و با گستره وسیع جغرافیایی در درون مرزهای ملی، تبدیل شدن به یک ارتباط خصوصی و شخصی و فارغ بودن از هر نوع کنترل از سوی مراجع قدرت، به وسیله‌ای بی‌بدیل در عرصه ارتباطات تبدیل شده‌اند و زمینه‌های تأثیرگذاری خارج از کنترل دولت‌ها و نهادهای قدرت را در جوامع به وجود آورده‌اند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۶). شبکه‌های اجتماعی با توجه به این‌که از مزایایی نظیر انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات، افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی، شکل‌گیری و تقویت خرد جمعی، کارکرد تبلیغی و محتوایی، ارتباط مجازی مستمر با دوستان و آشنایان، توسعه مشارکت‌های مفید اجتماعی، افزایش سرعت در فرایند آموزش و ایجاد

ارتباط شبانه‌روزی بین استاد و شاگرد، امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگ‌های مختلف، امکان بیان ایده‌ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده‌ها، افکار و سلیقه‌های دیگران و تبلیغ و توسعه ارزش‌های انسانی و اخلاقی در عرصه جهانی برخوردارند (افضلی، ۱۳۹۱) از محدودیت‌های خاص خود نیز برخوردار هستند. از جمله این موارد می‌توان به شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضد دینی و القای شبهات، نقض حریم خصوصی افراد، انزوا و دور ماندن از محیط‌های واقعی اجتماع تأثیرات منفی رفتاری اشاره کرد (کاظمی، ۱۳۸۹).

با توجه به حجم استقبال از شبکه‌های اجتماعی به خصوص در طیف نسل جوان و نسل دانشجو، این پایگاه‌ها نقش بسیار مهمی در تحولات سیاسی، اجتماعی و آموزشی و به خصوص اخلاقی دارند. رواج بی‌بندوباری و گسترش روابط نامشروع در بین جوانان در شبکه‌های مجازی مانند فیس‌بوک، تهدید بنیان خانواده و گسترش خانه‌های مجردی، بلوغ زودرس جوانان، هرزه‌نگاری، ضعف بینش دینی و سهل‌انگاری در انجام واجبات دین اسلام، بحران هویت جوانان، بسترسازی برای تهاجم فرهنگی، انتشار یافتن هنجارهای غربی و تغییرات در سبک زندگی جوانان، ترویج عقاید خرافی و ایجاد شبهات دینی، ترویج مدهای لباس نامناسب و گسترش بدحجابی از آسیب‌های شناسایی شده در مورد نقش اینترنت و فضاهای مجازی بر باورهای دینی جوانان است (صالحی و برادران، ۱۳۹۵). فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های مجازی با تغییر در الگوهای زندگی خانوادگی و نمادهای کلامی و الگوهای ظاهری تهدیدی مهم برای نسل جوان می‌باشند (ادیب و همکاران، ۱۳۹۴). گسترش شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی را در تغییر الگوها، دانش و باورهای دینی و مذهبی افراد ایجاد کرده است. در این میان حساسیت اخلاقی به عنوان پایه اولیه دانش و رفتار اخلاقی نیز از گسترش این شبکه‌ها متأثر شده است. شناخت ابعاد اخلاقی یک موقعیت و جداسازی آن از مشکل دیگر نیازمند دانش اخلاقی است حساسیت اخلاقی نیازمند این توانایی است که فرد تشخیص دهد چه چیزی درست است و در ذهن خود در خصوص موضوعات اخلاقی و

قانونی فکر و در مورد آن با دیگران بحث و مذاکره نماید (ارسوی^۱ و گانداگموس^۲، ۲۰۰۳). حساسیت اخلاقی می‌تواند به صورت آگاهی و توجه به ارزش‌های اخلاقی موجود در یک موقعیت دارای تناقض و خودآگاهی فردی نسبت به نقش و وظیفه در آن موقعیت خاص تعریف شود. بدین معنی که حساسیت اخلاقی تنها مربوط به حس فرد نیست و نیازمند ظرفیت و تجربه شخصی جهت شناخت اهمیت مسئله اخلاقی در موقعیت است (برهانی و همکاران، ۱۳۹۱). مطالعات بر تأثیر آموزش بر حساسیت اخلاقی تأکید دارند. همین مطالعات تأکید می‌کنند که نبود آموزش اخلاقیات می‌تواند مانعی برای گسترش اخلاق و حساسیت اخلاق شود (اوینین^۳ و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۹).

بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که گستره و پیچیدگی مسئله شبکه‌های اجتماعی و حساسیت اخلاقی بستر پرسش‌های بسیاری است که پژوهش‌های بسیاری را ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. به‌ویژه در کشور ما که کشوری جوان محسوب شده و دارای آمار زیادی تحصیلمکرده‌ها و دانشجویان هست. ازاین‌رو، جا دارد که با انجام پژوهش‌های وسیع در حوزه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شبکه‌های اجتماعی، با ارائه مباحثی که در جوامع پیشرفته مهم و حیاتی قلمداد می‌شوند، جامعه را از آفت‌های واقعی آن مطلع ساخته و در صورت امکان از بروز برخی از مشکلات پیشگیری کنیم. در نتیجه با عنایت به اینکه دانش‌آموزان دوره متوسطه با ورود به دوره‌ای حساس، با فناوری روز و شبکه‌های اجتماعی آشنا شده و شانس بیشتری پیدا می‌کنند که از رسانه‌ها استفاده کنند و از طرف دیگر، مادران به‌عنوان یکی از افراد مطلع در باب مسائل اخلاقی عضویت فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی هستند؛ بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی مطالعه پدیدارشناختی تجارب مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش حساسیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه انجام گرفت. در همین راستا برای رسیدن به این هدف، سؤال زیر مطرح شده است:

مادران تجارب خود را از نقش عضویت فرزندان خود در شبکه‌های اجتماعی را در کاهش حساسیت اخلاقی فرزندان خود چگونه روایت می‌کنند؟

1. Ersoy

2. Gündoğmus

3. Auvinen

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، والدین دانش‌آموزان مدارس ناحیه ۴ شهر تبریز بودند که ۲۰ نفر از آنها با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شده بودند. برای تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها از الگوی «استرابت و کارپنتر» استفاده شد. پدیدارشناسی به دنبال آشکارسازی معانی و تجربیات زندگی روزمره افراد است (اسپیژال^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). این روش یکی از روش‌های نظام‌دار و دقیق بیرون کردن و نمایش ادراکات تجربه انسانی در مورد انواع پدیده‌ها است (هولووی^۲ و ویلر^۳، ۲۰۱۳: ۱۳۰). در این مطالعه جامعه پژوهش، والدین دانش‌آموزان مدارس متعدد ناحیه ۴ تبریز بودند. نمونه‌گیری پژوهش هدفمند بوده و تا اشیاع اطلاعات یعنی دریافت نکردن اطلاعات جدید به صورت نمونه‌گیری تئوریک ادامه یافت که در مجموع شمار شرکت‌کنندگان در پژوهش به ۲۰ نفر رسید. معیار ورود برای مصاحبه، آمادگی کامل والدین برای مصاحبه، عضویت فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی، کاهش حساسیت اخلاقی بود. جهت جمع‌آوری اطلاعات، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و با شرکت‌کنندگان به طور عمیق مصاحبه شد که این مصاحبه‌ها در محیط مدرسه و با هماهنگی و تمایل شرکت‌کنندگان انجام شد. مدت‌زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه متغیر بود. اصول اخلاقی پژوهش از جمله رعایت امانت‌داری اطلاعات، آزاد بودن افراد برای ادامه مصاحبه و غیره برای مصاحبه‌شوندگان توضیح داده شد.

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از اینکه مادران تجارب خود را از نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش حساسیت اخلاقی فرزندان خود چگونه روایت می‌کنند؟ برای رسیدن به این سؤال اصلی، در مصاحبه علاوه بر سؤال از اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان، این نمونه سئوالات هم پرسیده شد: به نظر شما فرزند شما چرا از شبکه‌های اجتماعی

1. Speziale

2. Holloway

3. Wheeler

استفاده می‌کند؟ بیشتر از کدام شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کند؟ چه مقدار از وقت روزانه خود را صرف شبکه‌های اجتماعی می‌کند؟ استفاده فرزند شما از شبکه‌های اجتماعی چه پیامدهایی را برای ایشان داشته است؟ عضویت فرزند شما در شبکه‌های اجتماعی چه تغییری در اخلاق فرزند شما ایجاد کرده است؟ عضویت فرزند شما در شبکه‌های اجتماعی چه تغییری در نگرش و باورهای اخلاقی فرزند شما ایجاد کرده است؟

معطوف به دلایل عضویت کودکانشان در شبکه‌های اجتماعی، نوع شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای شبکه‌های اجتماعی بود. همه مصاحبه‌ها ضبط و محتوای مصاحبه‌ها کلمه به کلمه روی کاغذ به‌طور کامل پیاده گردید و چندین مرتبه خوانده شد و با اطلاعات ضبط شده مطابقت داده شد. داده‌ها به روش استرابت و کارپنتر مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند. استرابت و کارپنتر فنومنولوژی را عملی می‌دانند که هدف آن توصیف پدیده‌های خاص، ظاهر چیزها و تجربیات زندگی افراد است. روش مزبور شامل توصیف پدیده مورد نظر توسط محقق، کنارگذاری پیش‌فرض‌های محقق، مصاحبه با شرکت‌کنندگان، قرائت توصیف‌های شرکت‌کنندگان، استخراج جوهره‌ها، پیدا کردن روابط اساسی، نوشتن توصیفی از پدیده‌ها، مرور بر متون مربوطه و انتشار یافته‌هاست (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۹۰). این روش یکی از مطلوب‌ترین روش‌های هرمنوتیکی برای استنتاج و استنباط تجربیات زیسته و نیات درونی افراد است. برای این منظور ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف شرکت‌کنندگان سعی در درک بهتر و هم‌احساس شدن با آنها شد و سپس جملات و واژه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها استخراج گردید. در مرحله بعد این معانی استخراج شده مفهوم‌سازی و کدگذاری گردید. کدهای اولیه که مربوط به هم بودند و می‌توانستند تم‌های بالقوه را تشکیل دهند در یک گروه قرار گرفتند. سپس هر یک از تم‌های بالقوه مرور شد و با گفته‌های مشارکت‌کنندگان تطبیق داده و تم‌های نهایی تعیین شد. به‌منظور تبیین صحت و استحکام داده‌ها روش عینیت‌پذیری که یکی از ویژگی‌های پژوهش کیفی است، از طریق مطالعه و بررسی مستمر داده‌ها با اختصاص زمان کافی برای درک

حقیقی داده‌ها و برقراری ارتباط مناسب، بازنگری کدها و تم‌های استخراج شده و توافق نظر بر کدهای انتخابی و طبقه‌بندی تم‌ها و جستجو برای یافتن داده‌های مخالف و تحلیل داده‌های منفی در نوشتار هر مشارکت‌کننده و در بین مشارکت‌کنندگان انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

بررسی اطلاعات دموگرافیک شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که دامنه سنی شرکت‌کنندگان در این پژوهش بین ۳۱ تا ۵۲ سال بود. بیشترین شبکه اجتماعی شرکت‌کنندگان از منظر مادران، شبکه تلگرام، اینستاگرام، تانگو و غیره بود. ساعات استفاده از شبکه‌های مجازی توسط فرزندانشان از منظر مادران از یک ساعت تا ۵ ساعت متغیر بود.

از یافته‌های پژوهش ۱۰۲۴ کد اولیه استخراج شد که بعد از تحلیل و ادغام کدهای مشابه در یکدیگر، ۲ درون‌مایه اصلی و ۱۱ درون‌مایه فرعی به دست آمد. درون‌مایه‌های اصلی این پژوهش، علت گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی شبکه‌های اجتماعی است.

الف) درون‌مایه اصلی علت گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی:

۱) **ارتباط با همسالان:** یکی از مهم‌ترین نیازهای اجتماعی، برقراری ارتباط اجتماعی و علمی با دیگران و به‌خصوص همسالان است.

سخنان شرکت‌کنندگان با عباراتی نظیر: «دلیل اصلی که فرزندم به شبکه‌های اجتماعی گرایش پیدا کرده ارتباط با همسالان است. اگرچه ما کاملاً موضع مخالفی تو این زمینه داریم ولی وقتی می‌بینیم دوستانش از این نرم‌افزارها و شبکه‌ها استفاده می‌کنند ما تسلیم میشیم.» و «هر موقع پرسیدم چرا تو این شبکه‌ها عضو شده‌ای اولین پاسخی که از دخترم می‌شنوم این است که الآن عصر ارتباطات است و ما نباید از دنیا عقب بیفتیم، ولی من مطمئنم به خاطر ارتباط با دوستانش عضویت پیدا کرده.»

۲) **سرگرمی و تفریح:** شرکت‌کنندگان پژوهش یکی از دلایل استفاده از شبکه‌های اجتماعی را سرگرمی و تفریح فرزندان خود عنوان می‌کنند. یکی از شرکت‌کنندگان عنوان می‌کند: «با اینکه به بچه خودم حق استفاده از تبلت و موبایل را می‌دهم و بیشتر جنبه سرگرمی و تفریح براشون داره ولی ترسم از این است که این تفریح حالت افراط به خود گرفته و از کار و زندگی و تحصیل بیندازدش». شرکت‌کننده دیگری عنوان می‌کند: «برای ارتباط و اطلاع داشتن از دوستان استفاده از این شبکه‌ها مطلوب است. در زمانه‌ای که کودکان تنها در یک آپارتمان چند متری محبوس هستند، عضویت در شبکه‌های اجتماعی شاید یکی از بهترین راه‌های سرگرمی و تفریح کودکان باشد».

۳) **تبادلات علمی:** برخی از مادران شرکت‌کننده در پژوهش عنوان کردند که دلیل عضویت فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی، بهره‌گیری از این شبکه‌ها جهت تعاملات علمی است.

یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «برای اهداف علمی و تبادل اطلاعات علمی استفاده می‌کنند». شرکت‌کننده دیگری عنوان می‌کند: «پسر من عمدتاً جهت آگاهی از وضعیت رده‌ها و هماهنگی‌های کلاسی، انتقال یافته‌های جدید در باب مسائل علمی و غیره از این شبکه‌ها استفاده می‌کند».

ب) درون‌مایه فرعی پیامدهای اخلاقی شبکه‌های اجتماعی:

۱) **بلوغ زودرس:** مادران شرکت‌کننده در پژوهش اعتقاد داشتند که عضویت فرزندان‌شان در شبکه‌های اجتماعی تغییرات جسمی و جنسی را در آنها موجب شده است. یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه به این امر اعتقاد دارد: «من چهارتا بچه بزرگ کرده‌ام و این چهارمین فرزندم است. من در تربیت هیچ‌کدام به اندازه این پسر دچار مشکل نشده‌ام. اتفاقاً دوتای قبلی هم پسر بودن و یک دختر بزرگ هم دارم که ازدواج کرده. این پسر زودتر از انتظار به بلوغ رسیده و من با چند تا مشاور و همکار

صحبت کردم به اتفاق می‌گفتند که بر اثر فضاهای مجازی، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی است».

۲) تضعیف روابط عاطفی با والدین: مادران شرکت‌کننده در پژوهش اکثراً به این امر اعتقاد داشتند که عضویت فرزندان در شبکه‌های اجتماعی منجر به تضعیف روابط عاطفی مؤثرتر بین فرزندان و والدین شده است.

شرکت‌کننده‌ای می‌گوید: «به نظر من استفاده از این شبکه‌ها و درگیر شدن اکثر جوانان در آنها عواقبی چون عدم صمیمیت و رابطه گرم در خانواده‌ها را به همراه دارد».

۳) نگاه جنسی به والدین و اطرافیان: برخی مادران شرکت‌کننده در پژوهش بر این اعتقاد بودند که عضویت فرزندان در شبکه‌های اجتماعی تغییر در رفتارهای نادرست جنسی را در آنان باعث شده است و این امر نگرانی والدین را به دنبال داشته است.

یکی از والدین در این زمینه می‌گوید: «مدتی است احساس می‌کنم نوع نگاه پسر من نسبت به من و دیگر اعضای خانواده و فامیل عوض شده است. با اینکه نسبت به فرزندم اعتماد دارم ولی نوع نگاهش نسبت به جنس مخالف تغییر پیدا کرده است».

۴) بی‌توجهی و کم‌توجهی نسبت به مسائل دینی: اهمال‌کاری دینی یا کم‌توجهی نسبت به مسائل دینی از جمله مسائلی بود که والدین آن را به رشد فناوری و فضاهای مجازی و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی مرتبط می‌دانند. برخی از والدین به این امر اعتقاد داشتند که عضویت فرزندان در شبکه‌های اجتماعی توجه آنان را نسبت به مسائل دینی کم‌رنگ کرده است.

یکی از شرکت‌کنندگان در این زمینه می‌گوید: «دختر من تا سال پیش یک بچه کاملاً مذهبی بود، هر موقع وقت نماز می‌شد و من به اقامه نماز می‌پرداختم، وضو را می‌گرفت و با من نماز می‌خوند، هر موقع می‌خواستم به مراسمات مذهبی برم با من می‌اومد ولی الآن باید ۱۰ بار بهش بگم تا بلند شه و دو رکعت نماز بخونه. هر موقع به مراسم مذهبی خواستیم بریم، باید تنهایی برم. خبری از اون اعتقادات قبلیش دیگه نیست».

۵) نگاه نسبی‌گرایانه به اخلاق: گسترش شبکه‌های اجتماعی در گسترش تفکر

نسبی‌گرایی اخلاقی تأثیرگذار است. با ورود پست‌مدرنیسم و به‌خصوص پساساختارگرایی و به‌تبع آن فضای ریزومی که مبنای فلسفی برای گسترش شبکه‌های اجتماعی است (ایمان‌زاده، ۱۳۹۴)، اخلاق ماهیتی نسبی‌گرایانه و اقتدارزدا دارد. تمامی ارزش‌ها نیز دارای سطحی برابر و هم‌عرض است. در این مکتب فکری و فلسفی از سطح‌بندی ارزش‌ها خبری نیست، زیرا به سلسله‌مراتب اصلاً اعتقادی نیست. در جایی که سلسله‌مراتب مردود است و فقط تفکر عرضی‌نگری حاکم است، ارزش‌ها هم، هم‌سطح هم واقع می‌شوند. این نشان از دارای ارزش بودن فرهنگ‌ها و اصول اخلاقی ایشان با توجه به اهمیت و ویژگی غیرت است. در این مکتب فکری فرهنگ‌های گوناگون دارای ارزشی برابرند و هیچ فرهنگی بر فرهنگ دیگر ارجحیت خاصی ندارد. در حقیقت، نقطه مرتفعی برای مشخص کردن اخلاق و ارزش‌ها بر آن اساس وجود ندارد و به‌جای آن کثرت‌گرایی و تعدد و اصالت بخشیدن به تنوع و دگرگونی است. به‌عبارت دیگر، اخلاق در این نحله دارای ماهیت عینی معینی نیست و با توجه به شرایط محیطی، نیازهای مختلف و فرهنگ‌های متفاوت اخلاق بنیادگرا جایگاهی ندارد و رویکرد آن بر مبنای تجربه اخلاقی است، بنابراین، اخلاق از بعد جهانی آن خارج شده است.

۶) تردیدهای اخلاقی: یکی از مسائل عصر پست‌مدرن شکاکیت و تردید نسبت به پدیده‌هاست. این دوره با شکاکیت نسبت به جایگاه عقل شروع شد. با توجه به اینکه فضای مجازی محصول پست‌مدرن و زاییده تفکر پست‌مدرن است در تردیدآفرینی اخلاقی سهم مهمی بر عهده دارد. بررسی دیدگاه شرکت‌کنندگان در پژوهش به این امر اشاره دارد.

یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید: «فضای مجازی فضای شکاکیت، تردید و بدبینی است. بدبینی نسبت به همه‌چیز. چندین بار برای این سؤال از من توسط فرزندم پرسیده شده است که آیا آن چیزی که به‌عنوان اخلاق به خورد ما داده‌اند واقعاً اخلاق است؟ در وجود بچه‌ها شکاکیت نسبت به وجود اخلاق و ماهیت اخلاق موج می‌زنه».

۷) الگوپذیری منفی: در متون اسلامی و دینی و متون روان‌شناسی مفهوم الگو با تعبیر متفاوت و متعددی به کار برده شده است. مطالعه در این متون نشان می‌دهد این واژه با واژه‌های متعددی همچون امام، اسوه، مثال، نمونه، هادی، حجت و دلیل نیز به کار برده شده است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲). الگو در زبان عربی به معنای اسوه یعنی کسی که به دلیل دارا بودن خصوصیتی لایق پیشوایی شود. به برخی واژه‌های متقارن با اسوه در قرآن می‌توان به واژگان امام، شهید، اقتدا و مثل نیز اشاره کرد. آن چیزی که مورد اتفاق همه هست و در مورد آن اجماع دارند برتری الگو نسبت به دیگری است. رویکرد الگویی که در غرب از آن به پترنالیسم یاد می‌شود رویکردی تربیتی است که به دنبال ایجاد و نشان دادن ویژگی‌های در مربی از طریق تبعیت از الگوی معرفی شده است (روی،^۱ ۲۰۰۳). از منظر روان‌شناسان و اندیشمندان تربیتی کودک در رشد فردی و اجتماعی خود از الگوهای تأثیر پذیرفته و در این سیر رشد از الگوهای متعدد نظیر والدین، همسالان، شخصیت‌های فرهنگی - هنری، سیاسی و افراد دیگر تأثیر می‌پذیرد. از منظر طرفداران نظریه یادگیری مشاهده‌ای هر رفتاری که از اطرافیان کودک سر بزند در مشاهده، تقلید و الگوبرداری از طرف کودک تأثیرگذار است (ناگای^۲، ۱۹۷۲).

مادران شرکت‌کننده در پژوهش اعتقاد داشتند شبکه‌های اجتماعی در ارائه الگوهای نادرست موفق و در ارائه الگوهای درست ناموفق و ضعیف عمل کرده است. یکی از شرکت‌کنندگان اعتقاد دارد: «الگوهای شبکه‌های اجتماعی، الگوهای عمدتاً نامطلوب هستند. آن‌چنان که از گفتار و رفتار فرزندم برمی‌آید فرزندم اکثراً الگوهایش را از مدل‌های غربی و بازیگران و خوانندگان می‌گیرد. آن‌چنان مجذوب بازیگران غربی شده که حواسش به هیچ چیز نیست».

۸) پرخاشگری: پرخاشگری رفتار هدف‌داری است که در جهت تحقیر و یا تخفیف شخصیت دیگران و آسیب رسانیدن به آنها صورت می‌گیرد (سادوک و سادوک^۳، ۲۰۰۵). یکی از شرکت‌کنندگان عنوان می‌گوید: «به نظر من این اتفاق خشونت ناشی از

1. Roy

2. Nagai

3. Sodock

مطالعه پدیدارشناختی تجارب مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی ... ❖ ۱۲۵

شبکه‌های اجتماعی و خشونت در شبکه‌های اجتماعی جای تحلیل عمیق جامعه‌شناسی داره و میشه بسیاری تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها بر همین اساس صورت بگیره که زنگ خطر یا هشدار به سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی است. به نظر من بسیاری از مشکلات و پرخاشگری دانش‌آموزان خصوصاً در سن پایین نشئت گرفته از گوشی‌های موبایل و حضور در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی است چراکه بسیاری از برنامه‌ها به صورت حلقه به هم متصل هستند و دانش‌آموزان هم از این برنامه استفاده می‌کنند».

جدول ۱. درون‌مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از داده‌ها

تم (درون‌مایه) اصلی تم (درون‌مایه) فرعی	
• ارتباط با همسالان • سرگرمی و تفریح • تبادلات علمی	علل گرایش
• بلوغ زودرس • تضعیف روابط عاطفی با والدین • نگاه جنسی به والدین و اطرافیان • بی‌توجهی و کم‌توجهی نسبت به مسائل دینی • نگاه نسبی‌گرایانه به اخلاق • تردیدهای اخلاقی • الگوپذیری منفی • پرخاشگری	پیامدهای عضویت

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که با ظهور شبکه‌های اجتماعی تغییرات زیادی به خود گرفته مفهوم اخلاق، جایگاه اخلاق و مسائل وابسته به آن است. با توجه به حجم استقبال از شبکه‌های اجتماعی به خصوص در طیف نسل جوان و نوجوان، این پایگاه‌ها نقش بسیار

مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی و آموزشی دارند. در این راستا، پژوهش حاضر، با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در کاهش حساسیت اخلاقی دانش‌آموزان انجام گرفت. از تحلیل یافته‌های پژوهش ۲ درون‌مایه اصلی و ۱۱ درون‌مایه فرعی به دست آمد. درون‌مایه‌های اصلی این پژوهش، علل گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای اخلاقی شبکه‌های اجتماعی هستند. مضامین فرعی حاصل شده برای مضمون و درون‌مایه اصلی علل گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی می‌توان به ارتباط با همسالان، سرگرمی و تفریح و مبادلات علمی اشاره کرد. مضامین فرعی حاصل شده برای پیامدهای اخلاقی شبکه‌های اجتماعی عبارت‌اند از: بلوغ زودرس، تضعیف روابط عاطفی با والدین، نگاه جنسی نسبت به والدین و اطرافیان، بی‌توجهی نسبت به مسائل دینی، نگاه نسبی‌گرایانه به اخلاق، تردیدهای اخلاقی، الگوپذیری منفی و پرخاشگری.

نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات آسان با همسالان یکی از دلایل گرایش دانش‌آموزان به عضویت در این شبکه‌هاست. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش ایمان‌زاده (۱۳۹۴)، صالحی و برادران (۱۳۹۵) و کیمبال و کیم (۲۰۱۳) همسوست.

دلیل اصلی گرایش افراد به شبکه‌های مجازی ارتباطات اجتماعی آسان و کنترل نشده است. نتایج نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی به کاربران امکان می‌دهد که بدون محدودیت مکانی و زمانی علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با دیگران به اشتراک گذارند و همچنین در عین اینکه فضایی برای پیدا کردن دوستان جدید هستند به افراد این امکان را می‌دهند که با دوستان قدیمی خود ارتباط برقرار کنند.

یکی دیگر از دلایل گرایش دانش‌آموزان به شبکه‌های اجتماعی سرگرمی و تفریح است. سرگرمی‌ها و تفریح‌ها موجود در فضای مجازی بیشتر مواقع کنترل نشده و غیر هدفمند هستند که علاوه بر این که این امر می‌تواند غیرمفید باشد، می‌تواند آسیب‌زا هم باشد که همسو با یافته‌های پژوهش صادقیان (۱۳۸۴) است.

امروزه شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی را در مبادلات علمی ایفا می‌کنند. شبکه‌های

اجتماعی نقش مهمی را در رشد و گسترش دانش ایفا می‌کنند. پژوهش‌های معروف^۱ (۲۰۰۷) همسو با این یافته‌ها به این امر اشاره دارد که شبکه‌های اجتماعی علاوه بر دانش‌سازی خاص خود، اصلی‌ترین نقش را در مدیریت دانش و تسهیم دانش ایفا می‌کنند. هدف کلی هر شبکه اجتماعی، ایجاد سرمایه اجتماعی و تسهیل ارتباط بین متخصصان، هنرمندان و صاحبان حرفه‌های متعدد است. تبدیل سرمایه فردی به سرمایه اجتماعی، از مسائل مهم و مورد توجه تمامی حوزه‌های علمی است. از این طریق، دانش فردی به دانش جمعی تبدیل و در واقع از دانایی جمعی برای حل مسائل و مشکلات دنیای علم بهره‌برداری می‌شود. در عصر جهانی شدن و با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی، یک فضای مجازی در کنار فضای واقعی ایجاد شده که این دو تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند.

مضمون اصلی دیگری که از پژوهش به دست آمد پیامدهای اخلاقی عضویت در شبکه‌های اجتماعی بود که والدین دانش‌آموزان بیان کرده بودند.

یکی از پیامدهای منفی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بلوغ زودرس بود. خیلی از والدین این پدیده را به‌عنوان معضل اساسی فرزندان خود در باب شبکه‌های اجتماعی عنوان می‌کنند. والدین از بین شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام را یکی از شبکه‌های خطرناک تأثیرگذار در این مورد عنوان می‌کنند. با پیدایش شبکه‌های اجتماعی از قبیل فیس‌بوک، واتس‌آپ، وایبر و غیره در مدتی کوتاه دسترسی راحت به جنس مخالف، تصاویر و اطلاعاتی از قبیل پورنو و غیره میسر شده است. یافته‌های پژوهش کیمبال و کیم (۲۰۱۳) نیز از نقش شبکه‌های اجتماعی در بلوغ زودرس حکایت دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، استفاده کنترل‌نشده کودکان از وسایل الکترونیکی ارتباطی نظیر گوشی‌های موبایل، تبلت‌ها، کامپیوتر و گشت‌وگذارهای کنترل‌نشده در فضاهای مجازی نظیر اینترنت و شبکه‌های مجازی و تماشای برنامه‌های تلویزیونی به‌خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای که مناسب سن کودک نیست نیز از علل

زمینه‌ساز بلوغ زودرس است. از نگاه والدین تضعیف روابط عاطفی با والدین پیامد منفی دیگر شبکه‌های اجتماعی بود. روابط حاکم بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روابطی مکانیکی و بدون احساس و عواطف است. یافته‌های پژوهش ایمان‌زاده (۱۳۹۴) و دیباتین (۲۰۱۱) نیز بر تغییر الگوهای ارتباطی در فضای مجازی اشاره دارد.

پیامد دیگر عضویت در شبکه‌های اجتماعی از نگاه والدین بحران در حوزه روابط خانوادگی است. طبق یافته‌های پژوهش، عضویت در شبکه‌های اجتماعی در نگاه جنسی فرزندان نسبت به والدین و اطرافیان تأثیرگذار است که با یافته‌های پژوهش‌های معمار و همکاران (۱۳۹۱) و صالحی و برادران (۱۳۹۵) مشابه است.

از دیدگاه والدین، دانش‌آموزانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، نسبت به مسائل دینی بی‌توجهی بیشتری را نسبت به بقیه کودکان نشان می‌دهند. پژوهش رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۷) نیز تغییرات هویتی را اصلی‌ترین پیامد شبکه‌های اجتماعی می‌داند. بی‌اخلاقی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بسیار راحت از فضای حقیقی است. انسان در فضای مجازی در حالی که با بقیه است و با دیگران ارتباط دارد در همان حال تنها نیز هست. به همین دلیل بی‌اخلاقی در آن ساده و آسان‌تر است چراکه مانند فضای حقیقی کسی نیست که کاربر اینترنتی را ببیند و باعث خجالت کشیدن او شود و این مسئله منعی برای ارتکاب سوءاخلاقی باشد. عضویت دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی در نگاه نسبی‌گرایانه آنان نسبت به اخلاق و تردیدهای اخلاقی نقش ایفا می‌کند. توسعه فضاهای مجازی تأثیرات عمیقی بر روی موضوعات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر جای می‌گذارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، فضای مجازی در تلقین الگوهای منفی و الگوپذیری منفی نقش مهمی در بین دانش‌آموزان ایفا می‌کند و آنها به واسطه شبکه‌های اجتماعی به جای پیروی از الگوهای مطلوب دینی و قرآنی بیشتر الگوهایی را می‌پذیرند که چندان برای الگوگیری مناسب نیستند. از جمله این الگوها الگوهای ورزشی و

الگوهای هنر و هنرمندان را می‌توان نام برد. از نگاه بودی و دومینللی (۲۰۱۷) شبکه‌های اجتماعی فضای اخلاقی جدیدی را ترسیم کرده‌اند که با نگاه سنتی به اخلاق تفاوت زیادی دارد. اخلاق حاکم بر فضای جدید اخلاق نمادی و کوچ‌گرایانه است. در فضای کوچ‌گرایانه الگوها هیچ جایگاهی ندارند.

و در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در پرخاشگری دانش‌آموزان نقش ایفا می‌کنند.

امروزه نقش فضاهای مجازی و شبکه‌های مجازی در تربیت قابل اغماض نیست. جامعیت و گستردگی مخاطبین در فضای مجازی و اهمیت افراد استفاده‌کننده از آن یکی از پتانسیل‌های مثبت فضاهای مجازی است. مخاطبین فضاهای مجازی را بیشتر نسل جوانی تشکیل می‌دهند که مستعد یادگیری مفاهیم دینی هستند. از پتانسیل‌های دیگر فضای مجازی می‌توان به امکان آموزش مفاهیمی اشاره کرد که به صورت چهره به چهره یا آموزش آن در محیط‌های کلاسی با مشکلاتی روبه‌روست. آموزش مفاهیم مرتبط با تربیت جنسی یا آموزش خیلی از مسائل مربوط به احکام غالباً به خاطر نبود معلم یا مربی در محیط‌های مجازی آسان‌تر اتفاق می‌افتد ولی با این حال و با توجه به نقاط ضعف و قوت فضاهای مجازی موفقیت در بهره‌مندی از این فضاها مستلزم استفاده و بهره‌گیری از اصولی است که باید رعایت گردد.

پیشنهادها

عصر حاضر عصر ارتباطات و عصر سلطه پدیده رسانه و شبکه‌های اجتماعی بر زندگی انسان‌هاست و این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی توانایی تغییر افکار و عقاید انسان‌ها را دارا هستند. شبکه‌های اجتماعی به دلیل توانایی در جذب مخاطب انبوه و مشارکت در فرایند شکل دادن به افکار عمومی و بسیج طیف گسترده‌ای از مردم، نقش قابل ملاحظه‌ای را در کاهش حساسیت اخلاقی ایفا می‌کنند. گرایش دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان دوره متوسطه به شبکه‌های مجازی به دلایل شرایط جسمی، جنسی و

روان‌شناختی و قرار گرفتن در دوره بلوغ از حساسیت خاصی برخوردار است. به دلیل تأثیر حساسیت‌های اخلاقی بر شکل‌گیری دانش و عمل اخلاقی، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های جمعی و پرمخاطب رسانه‌های جمعی از جمله صداوسیما نسل جدید و والدین آنها را از مزایا و معایب شبکه‌های اجتماعی آگاه کرد. دعوت از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، متخصصان حوزه اخلاق در رسانه ملی و بسط آن می‌تواند پیامدهای اخلاقی عضویت دانش‌آموزان دوره متوسطه را تا حد امکان کاهش دهد. با توجه به گسترش ساخت‌شکنانه شبکه‌های اجتماعی، می‌توان با تهیه برنامه‌های علمی و آموزشی تقوای حضور را در برابر تقوای پرهیز که دیگر توان پاسخگویی به نیازهای عصر حاضر را ندارد، در دانش‌آموزان تقویت کرد.

منابع

- ابراهیمی، ایران. (۱۳۹۲). **تهیه و برازش مدلی برای بررسی حساسیت اخلاقی و رابطه آن با تدریس مراقبتی معلمان شهر کامیاران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.
- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). **روش‌های پژوهش کیفی**. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- ادیب، یوسف؛ فتحی‌آذر، اسکندر؛ نوظهوری پهرآباد، رامین و رسولی، سمیه. (۱۳۹۴). **بررسی تجربه ادراک شده دانشجویان دانشگاهی از آموزه‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرصت‌ها و تهدیدها (یک بررسی کیفی پدیدارشناسی)**. همایش ملی روان‌شناسی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی، چابهار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد چابهار.
- افضلی، محدثه. (۱۳۹۱). **نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در مدیریت بحران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صداوسیما تهران.
- ایزدی، احمد و همکاران. (۱۳۹۲). **همبستگی حساسیت اخلاقی پرستاران با رفتار مراقبتی آنها**. ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۶(۲)، ۴۳-۵۶.

مطالعه پدیدارشناختی تجارب مادران از نقش شبکه‌های اجتماعی ... ❖ ۱۳۱

- ایمان‌زاده، علی و سلحشوری، احمد. (۱۳۸۸). **نگاهی به رویکردهای تحلیلی و فراتحلیلی در فلسفه تعلیم و تربیت**. همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- ایمان‌زاده، علی. (۱۳۹۴). **تجربه تأثیر عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر روابط زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه علوم پزشکی تبریز: مطالعه پدیدارشناسی**. **تربیت بلیغی، قم**. ۴(۷).
- ایمان‌زاده، علی و سجادی، سیدمهدی. (۱۳۸۶). **چالش‌های اساسی تربیت دینی در فضای ریزوماتیک**. **روان‌شناسی و علوم تربیتی**، ۳(۴)، ۱۸-۱.
- برهانی، فریبا؛ عباس‌زاده، عباس و محسن‌پور، محدثه. (۱۳۹۱). **تبیین معنی حساسیت اخلاقی در دانشجویان پرستاری**. **اخلاق پزشکی**، ۶(۲۲)، ۹۳-۱۱۵.
- دوران، بهزاد. (۱۳۸۳). **هویت خانوادگی و تعامل در فضای سایبرنتیک**. **مسائل اجتماعی ایران** (۴۴)، ۸۹-۱۲۸.
- رهبر قاضی، محمودرضا؛ حاتمی، عباس و عباسی، امین. (۱۳۹۷). **رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و دگرگونی هویت‌های جمعی (با تأکید بر هویت دینی، ملی و مدرن)**. **مجلس و راهبرد**، ۲۵(۹۵)، ۳۳-۵۸.
- زلفعلی‌فام، جعفر؛ فراستخواه، مقصود؛ ملکی، امیر و زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۹۷). **پدیدارشناسی اخلاق اجتماعی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی: متولدان دهه شصتی دارای تحصیلات عالی)**. **پژوهش‌های ارتباطی**، ۲۵(۹۴)، ۱۵۵-۱۸۵.
- سلیمانی‌پور، روح‌الله. (۱۳۸۹). **شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها**. **ره‌آورد نور**، ۲.
- صادقیان، عفت. (۱۳۸۴). **تأثیر کامپیوتر و اینترنت بر کودکان و نوجوانان**. **مجله الکترونیکی مرکز اطلاعات و مدارک علمی**، ۴(۴)، ۷۸-۸۶.
- صالحی، اکبر و برادران، مریم. (۱۳۹۵). **آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه نقش اینترنت بر باورهای دینی جوانان**. **اخلاق**، ۲(۲۱)، ۱۱-۲۵.
- کاظمی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). **تأثیرات منفی گسترش شبکه‌های اجتماعی بر حریم خصوصی افراد**. **ره‌آورد نور**، ۳۱.

کفاشی، مجید. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده. *شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ۱۱(۳)، ۷۸-۵۷.

معمار، ثریا؛ عدلی‌پور، صمد و خاکسار، فائزه. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران). *مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در ایران*، ۴، ۱۷۶۵-۱۵۵.

مهدی‌زاده، حسین. (۱۳۸۲). آموزه‌های سلامی در باب تقلید از الگوها با تأکید بر دوره نوجوانی. *معرفت*، ۶۷.

هوسرل، ادموند. (۱۳۸۶). *ایده پدیده‌شناسی* (ترجمه عبدالکریم رشیدیان). تهران: علمی و فرهنگی.

Alison, J.; Sanders-Jackson, A. & Smallwood, A. M. (2006). Iming, Text Messaging, and Adolescent Social Networks. **Journal of Computer-Mediated Communication**, 11(2), 577-592.

Auvinen, J.; Suominen, T.; Leino-Kilpi, H. & Helkama K. (2004). The Development of Moral Judgment During Nursing Education In Finland. **Nurse Education Today**, 24, 538-546.

Barabási, A. L. & Frangos, J. (2014). **Linked: the New Science of Networks Science of Networks**. Basic Books.

Barrett, N. (1996). **The State of The Cybernation: Cultural, Political and Economic Implications of The Internet**. Kogan Page Limited.

Boddy, J. & Dominelli, L. (2017). Social Media and Social Work: The Challenges of A New Ethical Space. **Australian Social Work**, 70(2), 172-184.

Bott, E. & Spillius, E. B. (2014). **Family And Social Network: Roles, Norms and External Relationships In Ordinary Urban Families**. Routledge.

- Cadell, L. (2013). Socially Practical or Practically Unsociable? A Study Into Social Media Policy Experiences in Queensland Cultural Heritage Institutions. **Australian Academic & Research Libraries**, 44(1), 3-13.
- Cerbone, D. R. (2014). **Understanding phenomenology**. Routledge.
- Connelly, L. M. (2010). What is phenomenology?. **Medsurg Nursing**, 19(2), 127.
- Debatin, B. (2011). **Ethics, privacy, and Self-Restraint In Social Networking**, in Privacy Online (47-60). Springer, Berlin, Heidelberg.
- Doreian, P. & Stokman, F. (2013). **Evolution of social networks**. Routledge; 2013 Feb 1.
- Ersoy, N. & Gündogmus, UN. (2003). A Study of The Ethical Sensitivity of Physicians In Turkey. **Nursing Ethics**. 10 (5), 472-84.
- Flood, A. (2010). Understanding phenomenology. **Nurse Researcher** (through 2013), 17(2), 7.
- Holloway, I. & Wheeler, S. (2013). **Qualitative Research in Nursing and Healthcare**. John Wiley & Sons.
- Imanzadeh, A. (2011). **Poststructuralism Plurallism and its Challenges For Islamic Education**, 2nd International Conference on Islamic Education. Malaysia. Bangi Putrajaya, Selangor ,19 December.
- Kietzmann, J. H.; Hermkens, K.; McCarthy, I. P. & Silvestre, B. S. (2011). Social Media? Get Serious! Understanding The Functional Building Blocks of Social Media. **Business Horizons**, 54(3), 241-251.
- Kimball, E. & Kim, J. (2013). Virtual Boundaries: Ethical Considerations for use of Social Media in Social Work. **Social Work**, 58(2), 185-188.

- Leinhardt, S. (Ed.). (2013). **Social Networks: A Developing Paradigm**. Elsevier.
- Nagai M. (1972). **Education and Indoctrination: The Sociological and Philosophical Bases**. University of Tokyo Press.
- Naif Marouf, L. (2007). Social Networks and Knowledge Sharing In organizations: A Case Study. **Journal of Knowledge Management**, 11(6), 110-125.
- Papacharissi, Z. (Ed.). (2010). **A Networked Self: Identity, Community, and Culture on Social Network Sites**. Routledge.
- Roy, Kaustuv. (2003). **Teachers in Nomadic Spaces: Deleuze and Curriculum**. Peter Lang Press.
- Sodock, B. J. & Sadock, VA. (2005). **Comprehensive text book of Psychiatry**, 8th. Ed. Philadelphia, Williams & Wilkins, 994.
- Yen, J. Y.
- Speziale, H. S.; Streubert, H. J. & Carpenter, D. R. (2011). **Qualitative Research in Nursing: Advancing the Humanistic Imperative**. Lippincott Williams & Wilkins.
- Spiegelberg, E. (Ed.). (2012). **The Phenomenological Movement: A Historical Introduction** (Vol.5). Springer Science & Business Media.
- Wodarz, N. (2011). Hiring, Social Media, and E-Due Diligence. **School Business Affairs**, 77(11), 8-10.
- Zahavi, D. (2003). **Husserl's phenomenology**. Stanford University Press.